

نگاهی به کارنامه نظام جمهوری اسلامی

محمدرضا مرندی*

چکیده

بی تردید میان صحت و اتقان یک اندیشه اجتماعی و کارایی و توانایی نظام اجتماعی بر آمده از آن در پاسخگویی به مسائل و مشکلات پیش روی رابطه مستقیمی برقرار است. لذا دفاع از یک اندیشه متعالی و نظام سیاسی متقن زمانی امکانپذیر است که آن اندیشه یا نظام و کارگزاران آن در عمل، صحت یا توانمندی و کارآمدی خود را به اثبات رسانیده باشند.

نظام جمهوری اسلامی به عنوان ثمره عملی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این مقاله محقق در پی آن است تا میزان کارآمدی نظام و کارگزاران جمهوری اسلامی را با توجه به کاهش حدود ۱۰ برابری درآمد نفتی کشور نسبت به قبل از انقلاب مورد بررسی قرار دهد؛ در این نوشتار با توجه به آمارهای جهانی، همانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی، ISI، مرکز فرهنگی سازمان ملل و همچنین آمارهای داخلی وضعیت توسعه یافتگی ایران در سالهای پس از انقلاب نسبت به رژیم گذشته، کشورهای همسایه و هم‌تراز و دیگر کشورهای جهان در ابعاد مختلف توسعه همچون - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، صنعتی، کشاورزی و بهداشتی مورد بررسی قرار دهد و به برخی از ابهامات موجود همچون مساله کاهش ارزش پول ملی، کاهش رفاه جامعه نسبت به قبل از انقلاب، فرایند کنترل نرخ جمعیت... در حد توان پاسخ دهد.

طرح مسأله و بیان هدف و ضرورت آن

بیش از ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و جمهوری اسلامی در طول ۲۶ سال گذشته مراحل دشوار و موانع بسیاری را پشت سر گذاشته است. اینک به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، مهم‌ترین چالش انقلاب در سومین دهه از حیات خود مسأله «کارآمدی» می‌باشد. بی تردید میان صحت و ائقان یک اندیشه اجتماعی و کارایی و توانایی نظام اجتماعی بر آمده از آن در پاسخگویی به مشکلات جامعه، رابطه مستقیمی برقرار است. از سویی دیگر کارآمدی یا ناکارآمدی کارگزاران یک نظام در اجرای اهداف و آرمانهای آن، می‌تواند در کارآمد یا ناکارآمد به نظر آمدن آن نظام و به تبع، درست و نادرست به نظر رسیدن آن اندیشه اجتماعی، تاثیر مثبت یا منفی بر جای گذارد. به هرحال تناسب و ارتباط میان سه مقوله «اندیشه»، «نظام» و «کارگزاران» به گونه‌ای برقرار شده است که تفکیک آنها به‌خصوص در برابر منتقدانش چندان میسر به نظر نمی‌رسد؛ لذا دفاع از یک اندیشه متعالی یا نظام سیاسی متقن، زمانی امکان‌پذیر است که آن اندیشه یا نظام و کارگزارانش در مقام «عمل»، درستی، توانمندی، کارایی، کارآمدی و اثر بخشی خود را به اثبات رسانیده باشند. نظام جمهوری اسلامی به عنوان ثمره عملی انقلاب اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. بدیهی است بروز مجموعه‌ای از مشکلات در جامعه ما در سالهای پس از انقلاب که قسم عمده‌ای از آنها معلول عوامل اجتناب‌ناپذیری همچون:

محاصره و فشارهای اقتصادی غرب به‌خصوص آمریکا.

روند سریع افزایش جمعیت کشور در دهه اول انقلاب.

جنگ تحمیلی ۸ ساله و خسارات فراوان ناشی از آن.

ترور بسیاری از مسؤولان کارآمد و مؤثر نظام.

کاهش تولید، صدور و نفت.

تغییر الگوی مصرف جامعه.

تورم جهانی.

ساختارهای نامناسب اجتماعی و اقتصادی به ارث رسیده از رژیم گذشته. جنگ روانی و تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی جهت ایجاد شکاف بین مردم و نظام اسلامی و به هدر رفتن استعداد های انسانی کشور.

و... بوده است، به تدریج زمینه‌ساز القای اندیشه ناکارآمدی حکومت دینی شده است؛ به گونه‌ای که امروزه زمینه پذیرش استدلال‌های منطقی در جهت اثبات مبانی نظری اندیشه دینی و نظام اسلامی در میان بخشی از مردم به شدت کاهش یافته است.

از آنجائیکه رویکرد ما در این نوشتار بررسی عملکرد نظام جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای مادی و غیر معنوی است، دستاوردهای معنوی و تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی را بررسی نمی‌کنیم. گرچه تأثیرات معنوی انقلاب در جای خود قابل بررسی ویژه می‌باشد؛ لکن موارد ذکر شده در این مقاله بر اساس معیارهای کمی و مادی که مورد پذیرش عموم مردم می‌باشد تنظیم شده است.

فرضیه ما این است که کارنامه عملکرد نظام جمهوری اسلامی و کارگزاران آن، با توجه به تغییر عمده شرایط و تقلیل محسوس درآمدهای ارزی کشور در سالهای پس از انقلاب، با عنایت به حجم کارهای انجام شده در این مدت، مصداق «کارآمدی نسبی» است و عدم تحقق برخی از اهداف و آرمانها می‌تواند از نشانه‌های ضعف و وجود نسبتی از ناکارآمدی در عملکرد آنان تلقی شود.

این عملکرد به دلیل ضعف نگرش جامع و راهبردی به مقوله توسعه در ابعاد مختلف آن همچون: اقتصاد، سیاست و فرهنگ و درپیش نگرفتن الگوی مناسب بر پایه ارزشهای اجتماعی، فرهنگی و تواناییهای بومی و به عبارت دیگر به دلیل درپیش گرفتن سیاست «توسعه نامتوازن» موجب ایجاد ناهماهنگی‌هایی در تنظیم اهداف، نارسایی‌هایی در تخصیص منابع و امکانات، اختلالاتی در روابط اجتماعی و به تبع نارضایتی‌هایی بین گروه‌هایی از جامعه شده است که این بعد از عملکرد، گویای درصدی از ضعف و ناکارآمدی در مجموعه کارگزاران نظام است.

مفهوم کارآمدی

از مجموع تعاریف به دست می‌آید که کارآمدی «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع» است. از این رو، کارآمدی هر سیستمی بر اساس سه شاخصه اهداف، امکانات و موانع آن مشخص می‌شود. هر قدر سیستمی با توجه به سه شاخصه مذکور در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان مقدار کارآمد است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان امکانات لازم برای کارآمدی را به دو دسته مادی و غیر مادی تقسیم کرد. موانع کارآمدی هم به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. موانع داخلی، مانند: گروههای مخالف داخلی و میراث‌های منفی و مخرب علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی؛ افزایش تقاضای خدمات، افزایش آستانه رضایتمندی و....
۲. موانع خارجی، مانند: موانع اندیشه‌ای و فرهنگی مهاجم و مخالف، موانع و تهدیدات سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی.

باید توجه داشت که کارآمدی یک سیستم پویا، در حالات و شرایط گوناگون، متفاوت است. برای مثال یک نظام سیاسی، امری زمانمند و دارای مراحل است و در زمانهای مختلف می‌تواند از امکانات، موانع و اهداف متفاوت برخوردار باشد. از این رو کارآمدی نظام سیاسی را باید در شرایط و مراحل گوناگون (جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات) به‌طور جداگانه بررسی و ارزیابی کرد. در واقع «کارآمدی کل» برابر با برآیند کارآمدیهای مراحل گوناگون است. لذا از کارآمدی یا ناکارآمدی یک یا برخی از اجزا در یک سیستم مرکب و پیچیده، نمی‌توان کارآمدی یا ناکارآمدی آن سیستم را نتیجه گرفت. کارآمدی کل در سیستمهای مرکب برابر است با حاصل جمع کارآمدی اجزا. بنابراین، اگر چه در یک سیستم پیچیده، بروز عیب و نقص، محتمل و طبیعی به نظر می‌رسد روند کلی و برآیند مجموعه عملکردها و تلاشهای صورت گرفته، تعیین‌کننده میزان کارآمدی می‌باشد.

یک نکته مهم در این مبحث این است که «وجود کارآمدی گرچه موضوعی عینی می‌باشد، احساس وجود کارآمدی، یک موضوع ذهنی است»؛ لذا لازم است با اطلاع رسانی صحیح از اقدامات انجام گرفته، از ذهنیت سازی منفی در افکار عمومی جلوگیری شود.

نکته دیگر اینکه «کارآمدی» شاخصی است که از مقایسه امکانات و توانمندیها از یک سو و موانع ومشکلات از سوی دیگر حاصل می‌شود، بنابراین قضاوت منصفانه در این باره باید با توجه دقیق به هر دو وجه مسأله انجام پذیرد.

مقایسه امکانات و شرایط اقتصادی کشور در دو دوره قبل و بعد از انقلاب در بررسی میزان کارآمدی یک مجموعه، میزان عملکرد آن در قبال امکاناتش مورد توجه قرار می‌گیرد. در بررسی میزان کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز یکی از نکات مهم، مقایسه شرایط اقتصادی - درآمدها و هزینه‌های کشور در دو دوره قبل و بعد از انقلاب - می‌باشد. که جدول^۱ ذیل می‌تواند چشم‌انداز این محور را تا اندازه‌ای روشن کند:

ردیف	مشغله‌های دوره	قبل از انقلاب (سال ۵۶)	بعد از انقلاب (سال ۷۶)
۱	تولید نفت	۶ میلیون بشکه	۳/۵ میلیون بشکه
۲	صادرات نفت	۵/۵ میلیون بشکه	۲ میلیون بشکه
۳	قیمت نفت (یک بشکه)	۱۳ دلار	۱۲ دلار
۴	درآمد نفتی سالانه	۲۲ میلیارد دلار	۱۲/۵ میلیارد دلار
۵	سرانه درآمد نفتی	۷۰۰ دلار	۱۵۰ دلار
۶	قدرت خرید دلار (ارزش دلار در مقابل دیگر ارزهای معتبر جهانی)	۱	۰/۵
۷	مصرف داخلی نفت	۰/۵ میلیون بشکه	۱/۵ میلیون بشکه
۸	خسارات ناخواسته	-----	۱۰۰۰ میلیارد دلار از جنگ
۹	جمعیت	۳۳ میلیون نفر	۶۴ میلیون نفر
۱۰	جمعیت شهری	۱۷ میلیون نفر	۳۴ میلیون نفر
۱۱	جمعیت روستایی	۱۶ میلیون نفر	۳۰ میلیون نفر
۱۲	الگوی مصرف جامعه	روستایی و پایین	شهری و بالا
۱۳	سطح توقعات جامعه	متوسط	بسیار بالا

لازم به ذکر است که جمعیت کشور در سال ۸۲ به حدود ۶۸ میلیون نفر (۴۵ میلیون جمعیت شهری و ۲۳ میلیون نفر روستایی) رسید. درآمد نفتی هم در سال ۸۱ - با توجه به افزایش نسبی قیمت نفت در این دوره - حدود ۱۹/۳ میلیارد دلار و درآمد سرانه نفتی در همین سال تقریباً ۲۹۰ دلار بوده است.

در خصوص جدول فوق توجه به دو نکته مهم ضروری است:

الف) در آمد نفتی ایران پس از انقلاب به جهات متعددی به شدت کاهش یافته است یعنی میزان تولید نفت تقریباً نصف شده میزان صادرات نفتی بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته، قیمت متوسط نفت در این مدت تقریباً ثابت مانده، درآمد نفتی سالانه کشور حدود دو برابر کاهش پیدا کرده و در مجموع سرانه درآمد نفتی کشور بر اساس محاسبه با دلار، بیش از چهار برابر کاهش یافته است. با توجه به این که در طول حدوداً بیست سال اخیر ارزش برابری دلار آمریکا در مقابل دیگر ارزهای معتبر جهانی تقریباً نصف شده و از آنجائیکه کشورهای نفت خیز از جمله ایران در برابر نفت، دلار آمریکا دریافت می‌کنند، کاهش و افزایش دلار در حقیقت، کاهش و افزایش درآمد نفتی آنان نیز محسوب می‌شود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که در طول ۲۰ سال نخست انقلاب اسلامی، سرانه درآمد نفتی کشور حداقل هشت برابر نسبت به قبل از انقلاب کاهش پیدا کرده است. گرچه در سالهای اخیر (از سال ۸۲ به بعد) با توجه به رشد قیمت جهانی نفت، سرانه درآمد نفتی به حدود ۲ برابر - نسبت به سال ۷۶ - رسیده است. در عین حال سرانه درآمد نفتی کشور نسبت به قبل از انقلاب، همچنان کاهش قابل ملاحظه‌ای - حدود یک چهارم - دارد.

و این در حالی است که کشورهای جهان سوم برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی خود عمدتاً به صادرات مواد خام وابسته‌اند که قیمت آنها در این مدت تقریباً ثابت بوده است؛ اما در همین مدت قیمت کالاهای ساخته شده کشورهای پیشرفته روز به روز بیشتر شده است.

ب) هزینه‌های اقتصادی کشور به جهات متعددی در سالهای پس از انقلاب، به شدت افزایش یافته است: یعنی مصرف داخلی نفت سه برابر شد حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار در اثر

جنگ تحمیلی به کشور خسارت وارد شده (تقریباً معادل درآمد نفتی ۸۰ سال کشور) در این جنگ حدود ۳۰ شهر و سه هزار روستا نیمه ویران و ۱۰ شهر کاملاً با خاک یکسان شدند، تورم جهانی افزایش یافته، جمعیت کشور در دهه اول انقلاب به شدت رشد کرده و ترکیب جمعیتی آن از اکثریت روستایی (با توقعات پائین) به اکثریت شهری (با توقعات بالا) تغییر پیدا کرده و علاوه بر آن، الگوی مصرف کل جامعه - به خصوص از دهه دوم - به شدت بالا رفته و سطح توقعات اقتصادی، اجتماعی و رفاهی جامعه که قبل از انقلاب اگر نگوئیم پایین، قطعاً متوسط بوده بعد از انقلاب به شدت افزایش یافته است. بنابراین باید توجه داشت که ارزیابی عملکرد و کارنامه نظام جمهوری اسلامی و مقایسه وضعیت اقتصادی آن با نظام گذشته بدون لحاظ موارد پیش گفته نمی‌تواند ما را به یک جمع بندی منطقی و واقع بینانه رهنمون سازد.

کارنامه جمهوری اسلامی بر اساس شاخصهای توسعه یافتگی

به رغم وجود این موانع و تغییر قابل توجه شرایط در سالهای پس از انقلاب، شاخصها و شواهد بسیاری حکایت از رشد و توسعه کشور در بسیاری از زمینه‌ها و ابعاد می‌کند که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. لکن قبل از آن باید به این نکته توجه شود که به دلیل حاکمیت شرایط بحرانی و جنگی در دهه اول انقلاب، نمی‌توان این دوره را در فرآیند توسعه کشور مورد محاسبه قرار داد و در حقیقت دوره سازندگی و توسعه کشور پس از جنگ شروع می‌گردد؛ لذا تقریباً تمامی موارد و شواهدی که به آنها اشاره می‌شود، به بعد از سال ۶۸ - گستره زمانی حدوداً ۱۵ ساله - مربوط می‌باشد.

رشد علمی

در عرصه علوم نوین، دانشمندان ایرانی توانسته‌اند تا مرزهای دانش بشری روز، پیش روند و در مواردی نیز از این مرزها عبور کنند. موفقیت بی‌نظیر دانشمندان ایرانی در تهیه، انجماد و نگهداری سلولهای بنیادی جنینی، که بیش از آن در انحصار ۹ کشور دنیا بود، درمان ناباروری، نارسایی قلب و تلاش برای ترمیم لوزالمعده برای تولید انسولین به منظور درمان بیماری قند

(دیابت) برای اولین بار در جهان از اقدامات کم نظیر دانشمندان جوان ایرانی در عرصه مهندسی ژنتیک است.

در عرصه علوم هسته‌ای، با وجود موانع و ممانعت کشورهای غربی و تحریم تجهیزات دامنظوره - دارای کاربرد مشترک در فعالیتها و تحقیقات هسته‌ای صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز - امروزه ایران به فناوری پیچیده غنی سازی اورانیوم دست یافته و به جمع ۱۰ کشور دارای این فناوری نوین در جهان پیوسته است.

موفقیت هر ساله دانش‌آموزان ایرانی در دست‌یابی به مقامات جهانی در المپیادهای علمی در رشته‌های مختلفی همچون فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر و... در رقابت با کشورهای پیشرفته علمی یکی دیگر از شواهد رشد و توسعه علمی کشور در سالهای پس از انقلاب است. این موفقیتها در رشته‌های مختلف المپیادهای دانش‌آموزی از اولین سال حضور جوانان مستعد ایرانی هر ساله با پیشرفت بسیاری همراه بوده است: ۳ بار مقام اول جهانی (المپیاد شیمی ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، المپیاد ریاضی ۱۳۷۷)، ۲ بار مقام دوم جهانی (المپیاد فیزیک ۱۳۷۸ و المپیاد شیمی ۱۳۸۰) و ۲ بار مقام سوم جهانی (المپیاد فیزیک در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷) از دست‌آوردهای دانش‌آموزان ایرانی است. حاصل شرکت ایران در المپیادهای جهانی دانش‌آموزی در طی سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ در رشته‌های ریاضی، فیزیک، کامپیوتر، شیمی و زیست، ۵۷ مدال طلا، ۹۲ مدال نقره و ۵۸ مدال برنز بوده است.^۱

از جهت رشد کمی، در حالی‌که تعداد دانشجویان دانشگاههای کشور قبل از انقلاب، از مرز ۱۵۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد، امروزه به حدود دو میلیون و چهارصد هزار نفر رسیده است.

کشوری که در سال ۵۶ با ۳۳ میلیون جمعیت، نیازمند ورود پزشک خارجی (از کشورهای در حال توسعه‌ای همچون هند، بنگلادش، پاکستان و...) بوده هم اکنون با جمعیتی بیش از دو برابر، (و به تبع آن با نیازی بیشتر به پزشک) با مازاد پزشک روبروست در زمینه پزشک متخصص نیز از رقم ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۷ به رقم ۲۲۷۹۲ نفر - بیش از ۱۰ برابر - رسیده که آمار کم نظیری است.

از جهت رشد کیفی نیز باید یادآور شد در حالی که در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در مقطع دکتری فقط ۴۵۲ نفر بوده این تعداد در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ به بیش از ۱۲ هزار نفر رسیده است. به عبارت دیگر، ۲۶/۵ برابر رشد داشته است^۱ که اگر آمار دانشگاه آزاد نیز به آن اضافه شود، به بیش از ۵۰ برابر خواهد رسید. بر اساس گزارش موسسه بین المللی اطلاعات علمی ISI، تعداد مقالات علمی چاپ شده از محققان ایرانی در مجلات معتبر بین المللی در طول ۱۰ سال (۱۹۹۳ - ۲۰۰۳) ۶۰۰ درصد رشد داشته است که ۳ برابر رشد متوسط جهانی در این دوره است.^۲

طی دهه اخیر، مرکز فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) چند بار ایران را به عنوان یکی از موفق‌ترین کشورهای جهان در مبارزه با بی سوادی معرفی کرده است؛ زیرا ایران توانسته نرخ با سواد جمعیت ۶ ساله و بالاتر را از رقم ۲۸/۷ درصد در سال ۵۵ به حدود ۸۵ درصد در سال ۸۳ ارتقا دهد.

کشاورزی و دامداری

بخش کشاورزی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین بخشهای اقتصادی کشور است. در حیطة کشاورزی و دامداری، طبق آمار رسمی دولت در سال ۵۶، دولت فقط توانایی تأمین مواد غذایی مردم خود برای ۳۳ روز در سال را داشت و مجبور بود باقی مواد غذایی را از خارج وارد کند. برای مثال مرغ را از فرانسه، تخم مرغ را از اسرائیل، سیب را از لبنان، پنیر را از دانمارک و... وارد می‌کرد؛ هم اکنون کشورمان به‌رغم دو برابر شدن جمعیت، تقریباً خود کفا شده است؛ به گونه‌ای که با توجه به اینکه تولید گندم در سال ۵۶، ۵/۱ میلیون تن بود و کشور ما سالها از بزرگ‌ترین واردکننده‌های گندم در دنیا محسوب می‌شده در سال ۸۳ با تولید بیش از ۱۴ میلیون تن - بعد از چهل و اندی سال - توانست به خود کفایی در عرصه این محصول استراتژیک دست بیابد.

۱. نامه وزیر محترم علوم و تحقیقات و فناوری به مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۱۰/۳۰.

۲. ر. ک : <http://acce.isiprproducts.com/trials>

میزان تولید شلتوک برنج در سال ۱۳۵۶، معادل ۱/۱ میلیون تن بود. این رقم در سال ۱۳۷۹ به ۲/۷ میلیون تن افزایش یافت. تولید جو از ۹۰۰ هزار تن به ۳/۳ میلیون تن و سبزیجات و محصولات جالیزی از ۲/۷ میلیون تن به ۱۵ میلیون تن رسید. در بخش دام نیز رشد قابل توجهی در تولید پدید آمده است؛ به گونه‌ای که تولید تخم مرغ از ۲۱۵ هزار تن در سال ۱۳۵۶ به ۵۵۵ هزار تن در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. تولید گوشت مرغ، از ۶۳ هزار تن به ۷۲۴ هزار تن، گوشت قرمز از ۵۸۷ هزار تن به ۹۴۷ هزار تن، عسل از ۶ هزار تن به ۲۸ هزار تن و شیر خام از ۲/۶۲۰ میلیون تن به ۵/۸۷۷ میلیون تن رسیده است.^۱

وضعیت روستاها

فقر و نابسمانی جوامع روستایی از مسائل و معضلات مهم و اساسی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به شمار می‌رود. به همین جهت بر خلاف رژیم گذشته که تنها به توسعه و آبادانی تهران و شهرهای بزرگ اکتفا می‌کرد، بعد از پیروزی انقلاب، توجه به روستاها و مناطق محروم کشور برای دولت و برنامه ریزان از اولویت خاصی برخوردار شد. در اینجا به بخشی از شاخصهای برخورداری روستاها در سالهای پس از انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم:

- تعداد مراکز بهداشتی و درمانی روستایی در سال ۱۳۵۷، ۱۵۰۰ واحد بوده که در سال ۱۳۸۱ به ۷۳۴۵ واحد رسیده تعداد خانه‌های بهداشت از ۲۵۰۰ واحد در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۵۶۱ واحد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است.

برق رسانی به روستاها و مناطق محروم و ایجاد تأسیسات زیربنایی از قبیل توسعه شبکه راههای روستایی، مخابرات و... در این مناطق از اقدامات موفقیت‌آمیز پس از انقلاب به‌شمار می‌رود.

تعداد روستاهای برخوردار از برق از ۴۳۲۷ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۴۵۳۵۹ روستا - بیش از ۱۰ برابر - در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین طی دوره ۱۳۵۷ - ۱۳۱۷ تنها ۸۰۰۰ کیلومتر راه روستایی کشیده شده بود. اما این رقم بعد از انقلاب به ۸۶۰۰۰ کیلومتر رسیده

است (بیش از ۱۰ برابر در مدتی تقریباً ۱۰ ساله). تعداد روستاهای بهره‌مند از شبکه مخابرات از ۳۱۲ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۱۰۴۲۹ روستا در سال ۱۳۷۴ - بیش از ۳۰ برابر - افزایش یافته. تعداد واحدهای پستی روستایی هم از ۱۸۰ واحد در ۱۳۵۷ به ۴۹۱۲ واحد در سال ۱۳۷۴ - بیش از ۲۵ برابر - رسیده است.^۱

صنایع

در بخش صنعت، کشوری که قبل از انقلاب تقریباً تمام کالاهای صنعتی خود را از خارج وارد می‌کرده و محدود کالاهای ساخت داخلش نیز عموماً از کیفیت و مرغوبیت پایینی برخوردار بوده، هم اکنون در بسیاری از زمینه‌ها به تولید کننده تبدیل شده و تولیداتش نیز در بسیاری از موارد، از جهت کیفیت و استاندارد، قابل رقابت با مشابه خارجی می‌باشد و در برخی از صنایع - همچون صنایع ساختمانی - سالهاست که به مرز خودکفایی رسیده است.

دولت جمهوری اسلامی وارث صنعتی است که میزان وابستگی آن به خارج بسیار زیاد بوده به همین سبب، صنایع کشور پس از انقلاب، به دلیل محاصره اقتصادی و تأمین نشدن مواد اولیه و واسطه‌ای، دچار رکود شدید شد. از سوی دیگر، صاحبان و مالکان این صنایع که آنها را با استفاده از اعتبارات بانکی تأسیس کرده بودند، از کشور گریختند.

دولت توانست پس از انقلاب در زمینه کاهش وابستگی شدید به مواد اولیه وارداتی، کالاهای سرمایه‌ای خارجی، تخصصهای فنی و اطلاعات و دانش فنی خارجی - که تهدیدی برای صنعت به شمار می‌رود - اقدامات در خور توجهی انجام دهد. به همین علت پس از انقلاب اسلامی، ظرفیتهای وسیعی در کشور پدید آمد و تولید مواد اولیه، ایجاد صنایع تبدیلی، صنایع تکمیلی و پر کردن حلقه‌های مفقوده صنعت جدی گرفته و گامهای بلندی در این راه برداشته شد. تقویت و گسترش صنایع پتروشیمی را می‌توان در همین ارتباط ارزیابی کرد. میزان تولیدات پتروشیمی کشور که در سال ۱۳۵۷ حداکثر ۴/۷ میلیون تن بوده در سال ۱۳۸۱ به ۱۲/۵ میلیون تن افزایش یافته است.

امروزه ایران در عرصه صنایع موشکی و مخابراتی به درجه‌ای از پیشرفت رسیده که در آینده نزدیک، توان ساخت ماهواره را خواهد داشت و بزودی وارد باشگاه چند کشور محدود پرتاب کننده ماهواره خواهد گردید؛ این موفقیت در حالی به دست آمده که ما در زمینه محصولات که قابلیت استفاده در صنایع موشکی و الکترونیک نظامی دارند، در تحریم به سر می‌بریم و می‌بریم تا جایی که حتی در برخی مواقع از فروختن یک IC یا چیپ ساده الکترونیکی به ما ممانعت به عمل می‌آید.

در زمینه سدسازی امروزه در بین ۳ کشور برتر دنیا قرار داریم؛ به طوری که پس از پیروزی انقلاب حدود ۱۳۰ سد ساخته شده و یا در حال ساخت است.

در صنایع نفت و گاز، پروژه صددرصد ایرانی فاز یک منطقه سلویه به عنوان بزرگ‌ترین پروژه نفت و گاز کشور در آبان ۸۳ به بهره برداری رسید که سالانه حدود یک میلیارد دلار درآمد نصیب کشور خواهد کرد.

صنایع نظامی

ایران که قبل از انقلاب تقریباً تمام تسلیحات نظامی خود را از خارج وارد می‌کرده امروزه در زمره یکی از کشورهای تولید کننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان قرار گرفته و در کنار کشورهایی چون هند، برزیل و یوگسلاوی مطرح شده است و تولیدات خود را به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می‌کند. تولید محصولات الکترونیکی و راداری، ادوات و تجهیزات خاص از این جمله است. اکنون ایران در زمینه صنایع زرهی و ساخت انواع نفربر در بین ده کشور برتر دنیا قرار گرفته است. به برخی از اقدامات انجام شده در صنایع نظامی اشاره می‌کنیم:

ساخت هواپیمای جنگنده آذرخش، طراحی و ساخت لانچر (پرتاب کننده) چهار موشکی با قابلیت شلیک همزمان و تک تک، ساخت چرخ‌بال آموزشی و چرخ‌بال دو موتور، طراحی و ساخت تانک پیشرفته ذوالفقار و راه اندازی خط تولید انبوه آن، ساخت تانک مدرن T 72، طراحی و ساخت خودرو تانک بر (بیر ۴۰۰)، ساخت انواع شناورها و یدک کشها، ساخت زیر دریایی و اسکله شناور، ساخت موشک فاتح ۱۱۰ (از موفق‌ترین موشکهای زمین به زمین در جهان) و موشکهای دوربرد شهاب (با سرعتی سه برابر موشک اسرائیلی)، راه اندازی خطوط

تعمیرات اساسی و بازسازی هوایمای نظامی و خودکفایی در زمینه‌های ساخت و یا تعمیر بسیاری از تجهیزات و قطعات نظامی.

مبارزه با مواد مخدر

از دیگر موارد قابل اشاره، موفقیت بسیار چشمگیر نظام جمهوری اسلامی در مبارزه با مواد مخدر و سوداگران مرگ می‌باشد. طبق آمارهای بین‌المللی بیش از ۸۰ درصد مواد مخدر مکشوفه در سطح جهان در مرزهای ایران کشف و منهدم می‌شود که به همین جهت نیز ایران بارها از سوی مجامع جهانی مورد تقدیر قرار گرفته است.

هنر

در حوزه هنری و فرهنگی یکی از موارد قابل اشاره، سینمای ایران است که قبل از انقلاب به اعتراف تمام صاحب‌نظران، به هیچ وجه در دنیا مطرح نبوده و به حساب نمی‌آمده لکن امروزه، به عنوان سینمایی صاحب سبک و جذاب، در بین سینماهای برتر جهان مطرح می‌باشد. در صنعت دوبلاژ نیز ایران جزء سه کشور برتر دنیاست.

بهداشت و سلامت

یکی از شاخصهای متعارف توسعه یافتگی کاهش نرخ مرگ و میر کودکان است. طی سالهای اخیر سازمان بهداشت جهانی دوبار ایران را به عنوان موفق‌ترین کشور جهان در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان مورد تقدیر قرار داده است. به گونه‌ای که مرگ و میر کودکان زیر یک سال (Infant Mortality Rate: IMR) از ۱۱۱ مورد در هر هزار تولد زنده در سال ۱۳۵۶ به ۲۸/۶ مورد از هر هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۱ رسیده به عبارت دیگر بیش از چهار برابر کاهش یافته است.^۱

همچنین کاهش مرگ مادران ناشی از عوارض باروری (Maternal Mortality Rate):

۱. شاخص‌های سلامتی در جمهوری اسلامی ایران، دکتر محمد اسماعیل اکبری، ص ۶.

(MMR) از ۲۳۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده در سال ۱۳۵۵ به حدود ۳۷ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده یعنی ۶/۵ برابر کاهش یافته است.^۱

از دیگر شاخصها، افزایش سن امید به زندگی است. در نتیجه اقدامات و آموزشهای بهداشتی، اصلی‌ترین شاخص سلامت (سن امید به زندگی) که قبل از انقلاب در حدود ۵۵ سال بوده و در سال ۸۲ به مرز ۷۱/۴ رسیده است بر اساس آمار دیگری سن امید به زندگی طی ۲۰ سال (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰) ۱۰ سال افزایش یافته، یعنی در مورد مردان از سال ۵۸ به ۶۸ سال و در مورد زنان از ۶۰ سال به ۷۰ سال ارتقا یافته است.^۲

خدمات رسانی

یکی از موارد قابل اشاره بهترشدن روند خدمت رسانی به شهرها و روستاهای کشور است. که به اختصار، به عناوین برخی از اقدامات انجام شده، اشاره می‌کنیم:

- افزایش بیش از ۱۲ برابری تعداد تلفنهای ثابت نسبت به پیش از انقلاب و گسترش ضریب نفوذ آن در کشور به خصوص در نقاط محروم و روستاها.

- واگذاری حدود ۳ میلیون خط تلفن همراه و روند رو به رشد آن به گونه‌ای که امروزه ایران از جهت ارایه خدمات تلفنی در سال ۸۲ مقام چهارم را در میان کشورهای آسیایی کسب کرد.

- افزایش راههای درون شهری، بین شهری، روستایی، راه آهن و ساخت مترو. افزایش تولید انرژی الکتریکی و برق رسانی تا حد رفع خاموشیها با توجه به ازدیاد فراوان مصرف کنندگان خانگی و صنعتی.

- افزایش شبکه‌ها و تعداد ساعات پخش برنامه‌های صدا و سیما و گسترش مناطق

تحت پوشش.

۱. همان، ص ۶.

۲. همان.

شبکه گاز شهری

در سال ۱۳۵۷، تنها ۵ شهر کشور به طور بسیار محدود از شبکه گاز شهری برخوردار بودند؛ اما این امکان تا آبان ماه ۱۳۸۲ به سطح ۴۰ میلیون نفر افزایش یافته که رقم بسیار قابل توجهی است.

گاز طبیعی - سوخت مقرون به صرفه با آلودگی پایین - در سبد مصرفی سوختهای فسیلی قبل از انقلاب گزارش نشده است؛ اما این سهم تا سال ۸۲، از مرز ۵۴ درصد فراتر رفته است. ظرفیت پالایش گاز طبیعی از ۳۶ میلیون متر مکعب در روز به ۲۸۸ میلیون متر مکعب در روز (۸ برابر) و تعداد خانوارهای تحت پوشش گاز طبیعی از ۵۱۰۰۰ خانوار در سال ۵۷، به ۸۹۹۸۰۰۰ خانوار در آبان ماه ۸۲ (بیش از ۱۷۶ برابر) افزایش یافته است.^۱

آب سالم و بهداشتی

تعداد مشترکان آب شهری - آب سالم و بهداشتی - در سال ۵۷، ۲/۷ میلیون رشته بوده که در سال ۱۳۸۲ به ۸/۵ میلیون رشته افزایش یافته که گویای بیش از ۳ برابر افزایش است. تعداد شهرهای تحت پوشش آب شهری از ۴۵ شهر به ۷۶ شهر در سال ۸۲ افزایش یافته است. آب رسانی به روستاها از ۱۲۰۰۰ روستا در سال ۵۷ به ۲۳۰۳۶ روستا در سال ۷۸ رسیده است. میزان تولید آب در سال ۵۷ حدود ۱/۵ میلیون متر مکعب بوده که در سال ۸۲ به ۴ میلیون متر مکعب - بیش از ۳ برابر - رسیده است.^۲

پاسخ به سه شبهه مهم

۱. نرخ رشد جمعیت

در اینجا لازم است به یکی دیگر از موارد موفقیت نظام جمهوری اسلامی در عرصه رشد و توسعه اشاره کنیم و در خلال آن نیز به شبهه‌ای که در این خصوص مطرح شده است، پاسخ

۱. ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۳۲۶.

۲. همان، ص ۳۲۷.

دهیم. یکی از شاخصهای متعارف رشد و توسعه در جوامع در حال توسعه، کاهش نرخ رشد جمعیت و کنترل موالید است. در این خصوص، کشور ما دو دوره را طی کرده است: یک دوره افزایش سریع و فوق العاده نرخ رشد جمعیت با شاخص $3/2$ درصد (بین سالهای ۵۸ تا تقریباً ۶۸)

دو. دوره کاهش سریع و فوق العاده نرخ رشد جمعیت با شاخص $1/2$ درصد (از سال ۶۸ تاکنون)

متأسفانه امروزه فقط به دوره اول اشاره می‌شود که کشور در شرایط بسیار حساس و بحرانی جنگ قرار داشته و نتوانسته بود آماری از رشد جمعیت تهیه کند. در سال ۶۵ پس از آنکه اولین سرشماری جمعیت کشور پس از انقلاب - که ظاهراً هر ده سال یکبار انجام می‌گیرد - صورت پذیرفت و نتایج آن در سال ۶۶ ارائه شد، مسؤولان نظام برای اولین بار متوجه نرخ رشد بالای جمعیت شدند. (تا قبل از آن به دلیل جنگ، کشور در شرایطی نبود که بتواند برای امثال این مسائل، طرحی ارائه کند.) پس از اطلاع از این امر، اقدامات متعددی صورت پذیرفت که نتیجه‌اش کاهش نرخ رشد جمعیت از $3/2$ درصد در سال ۶۵ به $1/2$ در سال ۱۳۸۱ بود. (یعنی حدوداً $2/5$ برابر کاهش) این موفقیت موجب تقدیر سازمان بهداشت جهانی از ایران، به عنوان یکی از موفق‌ترین کشورها در امر کنترل نرخ رشد جمعیت، شد و از سوی این سازمان، دوبار به همین مناسبت لوح تقدیری به وزیر بهداشت ایران اهدا شد.

۲. ارزش پول ملی

یکی دیگر از مواردی که معمولاً در مسأله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی و کارگزاران آن به عنوان دلیل نقض مطرح می‌شود، کاهش ارزش پول ملی کشور در طول سالهای پس از انقلاب است. بدین صورت که گفته می‌شود ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا که در سال ۵۷، یک به هفتاد (یک دلار معادل ۷۰ ریال) بوده هم اکنون (سال ۸۴) به حدود یک به نه هزار (یک دلار معادل ۹۰۰۰ ریال) رسیده یعنی بیش از ۱۳۰ برابر کاهش یافته است. این امر به عنوان دلیلی بر ناکارآمدی مسؤولان اقتصادی کشور مطرح می‌شود؛ در حالی که در بررسی

این مسأله باید چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول اینکه: ارزش واقعی پول ملی کشور در مقابل دلار در سال ۵۷، هفتاد ریال نبوده و به طور مصنوعی و برخلاف مصالح ملی پایین نگه داشته می شده است. اسناد موجود از برنامه اقتصادی رژیم گذشته حکایت از آن می کند که قرار بوده در سال ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۸ شمسی)، رقم رسمی برابری ریال به دلار ۵۰۰ ریال اعلام شود.

دوم اینکه: هم اکنون نیز برخی از صاحب نظران بر این عقیده اند که ارزش واقعی برابری پول ملی ایران در مقابل دلار در حدود ۵۰۰۰ ریال است؛ لکن به دلایلی - که در این بحث نمی گنجد - این عدد، بالا نگاه داشته شده است. چندی پیش نیز صندوق بین المللی پول ارزش واقعی برابری ریال ایران با دلار امریکا را ۲۳۰۰ ریال اعلام کرد.

بنابراین اگر واقع بینانه قضاوت کنیم، پول ملی ما در طول بیش از بیست و پنج سال با وجود مشکلاتی چون تحریم اقتصادی، جنگ هشت ساله و موارد دیگری که در جدول پیشین توضیح داده شد، حدوداً ۱۰ برابر و اگر ملاک را اعلام صندوق بین المللی پول بدانیم، کمتر از ۵ برابر کاهش یافته است. حال اگر این رقم را با کشورهای همسایه که شرایطی بسیار بهتر از ما قرار داشته اند مقایسه کنیم، می توانیم میزان توانمندی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را بسنجیم.

در کشور همسایه شمالی ما - اتحاد جماهیر شوروی سابق - تا قبل از فروپاشی ۱۹/۴ روبل معادل یک دلار امریکا بوده لکن از آن زمان تاکنون در کشور روسیه - به عنوان جانشین شوروی سابق - شاهد کاهش بیش از ۱۶۰۰ برابری ارزش پول ملی هستیم.^۱ این در حالی است که این کشور نه شاهد جنگی فراگیر و خانمان سوز مانند ایران بود و نه از تحریم اقتصادی غرب رنج می برده بلکه حتی از حمایتها و کمکهای اقتصادی غرب برخوردار بوده و شرایط (درآمدها و هزینه های) آن نیز برخلاف ایران تغییر چندانی نیافته است.

۱. توضیح اینکه در سال ۱۹۹۰ (قبل از فروپاشی شوروی) ۱۹/۴ روبل شوروی معادل یک دلار امریکا بود؛ در سال ۱۹۹۸ روسیه، روبل جدیدی را اعلام کرد که معادل ۱۰۰۰ روبل قدیم بود. در سال ۲۰۰۲، ۳۱/۴ روبل جدید معادل یک دلار امریکا بوده است.

عراق نیز که تا جنگ خلیج فارس به دلیل کمک‌های بی دریغ غرب و کشورهای عربی از هیچ مشکل اقتصادی عمده‌ای رنج نمی‌برد، پس از اشغال کویت و تحریم غرب در سال ۱۹۹۰ دچار مشکلات عظیمی شد؛ به گونه‌ای که در عرض کمتر از دو ماه ارزش پول ملی‌اش حدود ۸۰۰ برابر کاهش یافت.^۱ در همین راستا می‌توان به ترکیه نیز اشاره کرد، نرخ تورم در کشوری مثل ترکیه با وجود اینکه از هیچ بحران سیاسی، نظامی و اقتصادی عمده‌ای رنج نمی‌برد، هم اکنون ۲/۵ برابر بیشتر از کشور ما است.^۲

۳. بررسی افزایش قیمت‌ها و قدرت خرید مردم

یکی از نکاتی که در قضاوت افراد نسبت به وضع موجود تأثیر منفی بر جای گذاشته، ارزیابی قبل از انقلاب و گرانی بعد از آن است. این مسئله از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد.

الف) از جهت سیاست‌های اقتصادی توسعه‌ای کشور

ب) از جهت میزان افزایش قدرت خرید اکثریت افراد جامعه نسبت به افزایش قیمت کالاها و خدمات.

الف) از جهت سیاست‌های اقتصادی توسعه‌ای کشور، این سؤال مطرح می‌شود که چرا قبل از انقلاب، قیمت کالاها ارزان بود و بعد از انقلاب گران شده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین دلایل این امر، اعمال تعرفه‌های گمرکی پایین از سوی دولت نسبت به کالاهای وارداتی خارجی در قبل از انقلاب و افزایش این تعرفه‌ها بعد از انقلاب بوده است. به عبارت دیگر در نتیجه اعمال تعرفه‌های گمرکی پایین، کالاهای خارجی به وفور و با قیمت بسیار نازل در بازار یافت می‌شده در حقیقت این سیاست اقتصادی بسیار غلط، در جهت تضعیف تولیدات داخلی، افزایش وابستگی اقتصادی کشور به قدرتهای صنعتی و تأمین بازار

۱. یک دینار عراق تاوت ۱۹۹۰ (آغاز جنگ خلیج فارس) معادل ۳/۵ دلار آمریکا بوده این برابری تا قبل از مارس ۲۰۰۳ (آغاز اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس) به یک دینار معادل ۰/۰۰۰۵ دلار آمریکا کنترل یافت به عبارت دیگر ۷۰۰۰ برابر کاهش یافت؛ البته کاهش ارزش پول عراق پس از اشغال، دیگر قابل محاسبه نمی‌باشد.

۲. براساس پیش بینی مجله معتبر اکونومیست نرخ تورم ترکیه در سال ۲۰۰۴، ۳۹/۴ بوده در حالی که این رقم در ایران ۱۵ بوده است. ر. ک: روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۲۶۳، آذر ۱۳۸۲، ص ۲.

برای آنان بوده است زیرا در چنین شرایطی تولیدکننده نوپا و کم تجربه داخلی امکان رقابت با تولیدکننده توانمند و با تجربه خارجی را نمی‌یابد و به سهولت از صحنه رقابت خارج می‌شود و حضور در عرصه تولید را مقرون به صرفه نمی‌یابد. به همین جهت است که ارزانی کالاها (به معنای عرفی آن) یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد و توسعه اقتصادی در جوامع، به‌خصوص در جوامع در حال توسعه تلقی می‌شود؛ زیرا ارزانی غیر معقول، موجب تضعیف موقعیت تولیدکننده و در نهایت، تضعیف تولیدات داخلی می‌شود. از همین رو در اکثر کشورهای پیشرفته اقتصادی، گرانی وجود دارد. برای مثال، بانک جهانی برای چندمین بار، توکیو پایتخت ژاپن را به عنوان گران‌ترین شهر جهان اعلام کرده است حتی در این کشورها گاه با ارزانی مبارزه نیز می‌شود؛ زیرا با واقعی شدن قیمت‌هاست که می‌توان از تولیدکننده داخلی حمایت کرد و حمایت از تولیدکننده داخلی نیز در نهایت تأمین منافع مصرف‌کننده داخلی را به همراه دارد.

ب) این مسئله از جهت قدرت خرید اکثریت افراد جامعه نیز قابل تأمل و توجه است. بسیار می‌شنویم که گفته می‌شود در گذشته مثلاً قیمت گوشت فالان مقدار بوده یا قیمت تخم مرغ چنان بود و در مقایسه با قیمت‌های کنونی که بسیار افزایش یافته، این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که چون قدرت خرید مردم کاهش یافته، وضعیت معیشت مردم بدتر شده است؛

در پاسخ باید عرض کرد که هم تجربه افراد و هم آمارها نشان از بهترشدن نسبی وضعیت معیشت اکثریت افراد جامعه دارد. به عبارت دیگر، درست است که در گذشته قیمت‌ها پایین بوده ولی قدرت خرید مردم بسیار پایین‌تر از آن بوده است آمارها و بررسی‌های رسمی و غیررسمی گویای آن است که به غیر از برخی اقشار جامعه (از جمله اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها) اکثر اقشار مردم به‌خصوص صاحبان مشاغل آزاد از وضعیت معیشتی مناسب‌تری نسبت به قبل از انقلاب برخوردار شده‌اند؛ - البته این بدان معنا نیست که هم‌اکنون عموم مردم از وضعیت معیشتی مطلوبی برخوردار می‌باشند - لکن به دلایل متعددی همچون تغییر الگوی زندگی (الگوی مسکن، خوراک، پوشاک و لوازم منزل) و به تبع آن، افزایش سطح انتظار آنها از زندگی، ابراز ناراضی و احساس محرومیت در آنان افزایش یافته است. برای توضیح بیشتر، بحث خود را با دو مثال تجربی در این خصوص به پایان می‌رسانیم.

امروزه الگوی مسکن عموم مردم نسبت به قبل از انقلاب و سالهای اول انقلاب تغییر یافته است. در گذشته اکثر خانواده‌ها گسترده بودند؛ اما اکنون هسته‌ای شده‌اند. مثلاً در گذشته اگر عروس یا دامادی به خانواده‌ای اضافه می‌شد، در یکی از اتاقهای همان خانه جای می‌گرفت؛ اما اکنون عموماً عروسها و دامادها به زندگی در مسکن مستقل روی می‌آورند. در خصوص الگوی خوراک نیز شاهد تغییرات اساسی در جامعه خودمان در سالهای اخیر هستیم. در حدود ۳۰ سال پیش، قوت غالب خانواده‌های ایرانی نان بوده و برنج غذای اعیانی محسوب می‌شد؛ در حالی که امروز الگوی خوراک اکثریت جامعه تغییر یافته و عموماً برنج در غذای روزانه آنان جایگاه خاصی پیدا کرده است.

آمارهای جهانی نیز گویای بهتر شدن وضعیت رفاه مردم ما در سالهای پس از انقلاب است. بر اساس آمار بانک جهانی، ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند؛ اما این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۱۶ درصد کاهش یافته یعنی بیش از ۲/۸ برابر وضعیت رفاه جامعه بهتر شده است؛ البته در این خصوص مباحث فراوان دیگری قابل طرح است که پرداختن به آنها در این مجال نمی‌گنجد.

عوامل دخیل در قضاوت منفی افراد نسبت به وضع موجود

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا با وجود این دستاوردها و تلاشهای غیرقابل انکار از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ضریب نارضایتی در جامعه افزایش یافته و عده بسیاری از مردم و حتی نخبگان از وضعیت موجود اظهار نارضایتی می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت که عوامل متعددی در این قضاوت منفی دخیل است. از جمله:

۱. تغییر الگوی مصرف جامعه و بهترشده نسبی سطح زندگی مردم، به خصوص از دهه دوم انقلاب به بعد، که به تدریج باعث افزایش سطح انتظارات آنان از زندگی شده است.
۲. افزایش چشمگیر سطح آگاهیهای اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه پس از انقلاب و در نتیجه، آرمان‌گرایی و توجه بیشتر آنان به نقاط ضعف و نارساییهای وضع موجود به جای توجه به نقاط قوت آن.

۳. ترویج و حاکمیت فرهنگ غلط اجتماعی در جامعه در سالهای اخیر، به صورتی که افراد رفع تمامی مشکلات را تنها از حکومت و دولت - آن هم در کوتاه مدت - انتظار دارند.
۴. انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها و عدم ارائه آمارهای دقیق، شفاف و تطبیقی از گزارش کاری و ابعاد اقدامات و تلاشهای صورت پذیرفته از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به خصوص در مقایسه با قبل از انقلاب و کشورهای منطقه.
۵. عدم اطلاع رسانی مناسب به مردم در خصوص کاهش شدید درآمد سرانه نفتی کشور و ورود خسارتهای هنگفت به دلیل جنگ تحمیلی که در کاهش توان و عملکرد کارگزاران نظام و کارآمدی آنان بسیار مؤثر بوده است.
۶. توجه نکردن مردم در خصوص سیاستهای اقتصادی دولت (همچون واقعی کردن قیمتها) که در نگاه آنان، بی توجهی دولت به مشکلات مردم را تداعی شده است.
۷. فضا سازی و فعالیت گسترده تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی انقلاب در سیاه‌نمایی وضع موجود و بزرگ‌نمایی مشکلات.
۸. بی توجهی جدی به توزیع مناسب درآمد و عدالت اجتماعی و همچنین وجود تفکر بخشی‌نگر در مدیریت اجرایی کشور.
۹. گسترش پدیده شهرنشینی و فرهنگ مصرف‌گرایی. (حدود ۶۷ درصد از جمعیت کشور شهرنشین می‌باشند).
۱۰. افزایش سطح توقعات و مطالبات جمعیت روستایی کشور تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها به ویژه برنامه‌های تلویزیونی و بالا رفتن سطح معلومات و ارتباطات فراگیر با شهرها.
۱۱. جوان بودن جمعیت کشور - ۶۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال - که ایجاد نیاز روزافزون جهت تخصیص بودجه و امکانات در حوزه‌های آموزشی و تحصیلی، تفریحی و رفاهی، مسکن و به ویژه اشتغال و ازدواج را به دنبال دارد.
۱۲. چون انقلاب اسلامی، یک انقلاب دینی و دارای صبغه فرهنگی است، نگرش مردم به نظام و کارگزاران آن نوعی نگاه اخلاقی و ارزش‌مدار و دارای حساسیتهای خاصی است؛ لذا افکار عمومی، کاستیها و نواقص در حوزه‌های مختلف (مانند: فقر، فساد، تبعیض، بزهکاری و ناپهنجاری) را در سطح حداقلی نیز برجسته می‌داند و بر نمی‌تابد.^۱

۱. اصل وجود چنین نگرشی مثبت می‌باشد و باید کارگزاران نظام، تلاش درخوری برای پاسخگویی به مطالبات

سخن آخر

آنچه باعث تأسف می‌باشد این است که امروزه به هنگام اظهار نظر درباره وضع موجود کشور، جدا از برخی تحلیلهای مغرضانه و جهت دار، بخشی از تحلیلهای و قضاوتها نیز منصفانه و واقع بینانه ارائه نمی‌شود. موارد منفی بزرگ‌نمایی می‌شود و بسیاری از اقدامات و دستاوردهای مثبت نظام نادیده گرفته می‌شود؛ حتی تلاش جهت دار و معنی داری در خصوص آقای این نکته به اکثریت مردم و بخش بزرگی از فرهیختگان و خواص جامعه صورت می‌گیرد که وضعیت اقتصادی و درجه توسعه یافتگی کشور حتی در مقایسه با قبل از انقلاب نیز بدتر شده است و از این طریق، احساس غبن و پشیمانی در میان بخشی از آنان، نسبت به انقلاب و نظام، ایجاد و تشدید می‌شود.

و البته پرداختن به اقدامات مثبت نظام، به معنی نفی یا نادیده گرفتن معضلات و نواقص موجود در کشور نیز نمی‌باشد. مشکلات موجود، اکثراً محسوس و مشهود برای عموم مردم است و ممکن است نگاه و ذهنیت آنها نسبت به نظام، تنها از زاویه کمبودها و نواقص شکل گیرد، بنابراین، در این نوشتار، سعی شد جهت تعدیل و تصحیح نگرش به نظام جمهوری اسلامی، تلاشها و اقدامات انجام گرفته، مدنظر قرار گیرد و مواردی که لازم است جهت قضاوت منصفانه لحاظ گردد، بیان شود.

همچنین باید اذعان کرد که اگر مقصود و تعریف ما از کارآمدی، تخصیص بهینه امکانات در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده از سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای تحقق الگوی مطلوب از یک جامعه دینی، انقلابی و انسانی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی باشد، در این صورت، قطعاً تا تحقق آن آرمان مطلوب و مدینه فاضله، فاصله‌ای بسیار داریم و ضروری است برای رسیدن به آن وضعیت، ضمن نقد وضع موجود به علت‌یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی از اهداف و آرمانها بپردازیم و با ارائه راهکارها و پیشنهادها جهت رفع آنها اقدام کنیم.

کتابشناسی

- حشمت‌زاده، محمدباقر و همکاران، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۷۸.
- دستاورد انقلاب اسلامی ایران، مؤسسه قدر و لایت، تهران زمستان ۱۳۸۲.
- ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، نشر هماهنگ، تهران دی ماه ۱۳۸۲.
- سالنامه آماری ایران، ۱۳۸۰ - ۱۳۷۴.
- اکبری، محمد اسماعیل، شاخص‌های سلامتی در جمهوری اسلامی ایران، تهران تابستان ۱۳۸۲.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی